

سالاھا سکوت

سارا دادا ننتے

مجموعه داستان

انتشارات گنجور

سرشناسه : داداشی، سارا، ۱۳۶۵-
 عنوان و نام پدیدآور : سالهای سکوت / سارا داداشی؛
 ویراستار عبدالله محمدزاده سامانلو.
 مشخصات نشر : تهران: گنجور، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۱۴۵ ص.
 شابک : ۶۰۰۰۰۰ ریال: ۳-۶۳-۷۷۲۶-۶۲۲-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی : فیبا
 موضوع : داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
 موضوع : Persian fiction -- 20th century
 رده بندی کنگره : ۸۳۴۳PIR
 رده بندی دیویی : ۸۲۳/۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۰۵۳۸۲
 اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

سالهای سکوت



نویسنده : سارا داداشی
 طراح و ویراستار : عبدالله محمدزاده سامانلو
 صفحه آرا : عبدالله محمدزاده سامانلو
 ناشر : گنجور
 سال و نوبت چاپ : ۱۴۰۰ - اول
 شمارگان : ۵۰۰ نسخه
 شابک : 978-622-7726-63-3
 قیمت : ۶۰۰۰۰ تومان

۱-۱-۷۸۸۸۱۷-۶۴-۰-۱
 insta: kanoon shaeran moaaser1

۰۹۳۶۲۰۴۵۱۳۵
 ۰۹۹۰۲۰۳۴۹۳۱

آدرس انتشارات : میدان انقلاب، کارگر جنوبی، کوچه شهدای ژاندارمری، پلاک ۱۲۷ واحد ۲
 مرکز پخش : ۰۹۱۸۳۷۷۵۳۴۴ - ۰۹۹۰۱۹۱۰۲۰۸
 تلفن : ۰۹۱۲۰۶۱۷۲۸۳ - ۰۲۱۶۶۴۹۱۰۵۶

سایت انتشارات : www.ganjoorpub.ir

حق چاپ و نشر برای مولف محفوظ است

زندگی کتابیست پر از راز و رمزها پر از ماجراهای تلخ و شیرین، پر از فراز و نشیبها، همه ی انسانها ممكن است در يك برهه از زندگی عشق را تجربه كنند، عشق می تواند چون نسیم فرح بخش روح و قلب آدمی را پر از آرامش كند و غبار اندوه را از تن بزداید و یا چون طوفانی سهمگین همه ی داشته ها و باورها را نیست و نابود كند و موجب آزار و رنج انسان شود و اثرات آن روزها و بلکه سالها بر دل سنگینی كند و مسیر آمل و آرزوها را تحت الشعاع قرار دهد، عشق همانگونه كه میتواند لذت بخش و رمانتیک باشد می تواند زجر آور و دردناك هم باشد، عشق دیکتاتور است منطق و زبان خاصی ندارد خود رای و خود سر است، قوانین خاص خود را دارد.

شروع يك رابطه ی احساسی را زمانی می توانیم عشق بنامیم كه دوطرف همراه و همسفر تا پایان، در خوشی و ناخوشی کنار هم باشند شروع زیاد سخت به نظر نمی رسد بلکه این پایان راه است كه نفس كم نیاوریم و تا مقصد قلب و روحمان را پاك و مطهر نگه داریم، مسیر عشق را گاهی آدمها به اختیار خود عوض می كنند، گاهی حوادث دخیل می شوند و گاهی نفس و هواهای نفسانی جوهره ی عشق را از بین می برند، عشق انسان را تا اوج می برد و به كمال می رساند و گاهی بالعكس انسان را در مرداب غرق می كند و به انزوا می كشاند.

اگر برگردیم به سالهای دور که چه بسیارند زنان بی دفاعی که مورد هجوم بی رحمی سنتها و رسم و رسومات بوده اند بعضا قربانی خواسته های نامعقول قرار گرفته اند، فریادهایی که در نطفه خفه شدند و سکوت ابدی که سایه ی شوم افکار غلط را به یدک کشیده اند. زندگی اجباری بدون عشق که ثمره ی آن جز ملال و اندوه و رنج روانی و کابوس چیزی نبوده و نیست .

این قصه یک داستان تخیلی برگرفته از شنیده ها و داستانهایی گذشته هاییمت که زنان حق انتخاب نداشتند و محکوم به پذیرش سرنوشتی بودند که دیگران به آنان تحمیل می کردند، کسانی که قضاوتهای نادرست شان مسیر تاریخ را دگرگون کرده و می کند، و گوشه ایی از آنچه بر سر بانوان سرزمین و دیار ما کم و بیش پیش آمده را بازگو می کند تا شاید حس همدردی کرده باشیم و یادی از رنج های بر باد رفته شان باشد و فریاد بی صدای مظلومیت زنانی باشیم که مردانه با تضادهای فرهنگی و آداب و رسوم تحمیلی جنگیدند و انسانیت و برابری را به نسل ما هدیه دادند .

" درود بیکران بر شیر زنان سرزمین کهن من "